مورخ ۲ یا ۳ دسامبر ١٩١٢ در منزل مستر و مسیس کنی در نيويورک: درباره توصیه به اتصاف به کمالات بهایی و فضایل عالم انسانی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ۲ یا ۳ دسامبر ١٩١٢ در منزل مستر و مسیس کنی[[1]](#footnote-1) در نيويورک: درباره توصیه به اتصاف به کمالات بهایی و فضایل عالم انسانی[[2]](#footnote-2)

### (خطابات جلد دوم، ص.۳۲۸-۳۳۰)

هُواللّه

من در نيويورک خيلی در مجامع شما بودم. اقامت من در ساير شهر ها عُشر اين نبود، لکن در اينجا شب و روز منفرداً مجتمعاً مکرّر شما را ملاقات نمودم و وصايای حضرت بهاء اللّه را بشما گفتم، بشارات الهيّه را از برای شما بيان کردم و آنچه سبب ترقّی عالم انسانی است، شرح دادم. مضرّات تعصّب و تقاليد و آلايش به شئون نفسانی را تشريح نمودم، تعاليم حضرت بهاء اللّه تبيين کردم، دلائل و مسائل الهيّه را توضيح نمودم. حال رفتن من نزديک است در تدارک حرکت و سفرم، در هر محفلی نمی توانم حاضر شوم. لهذا وداع می نمايم و من از شما ها راضی هستم و از خدمات شما ممنون. فی الحقيقه نهايت رعايت را از شما ديدم. به من خيلی مهربانی نموديد.

از ملکوت بهاء اللّه به جهت شما تأييد و توفيق می طلبم تا روز به روز مؤيّد تر شويد، حقوق بهاءاللّه را محافظه نمائيد، قلبتان نورانی تر شود، اخلاقتان رحمانی گردد، روحتان مستبشر باشد و اطوارتان دليل بر ايمان و ايقان. در نهايت تقديس باشيد و در منتهای انجذاب و توجّه به ملکوت ابهی. سراجهای نورانی شويد، آيات باهره جمال مبارک گرديد، برهان حقّيّت حضرت بهاء اللّه باشيد تا روشنائی به عالم بخشيد. و چون خلق نظر به اعمال و افعال شما نمايند، آثار تقديس و انقطاع بينند، نورانيّت آسمانی مشاهده کنند و کلّ شهادت دهند که حقيقتاً شما برهان حقّيّت حضرت بهاء اللّه هستيد و گويند حقّاً که بهاء اللّه شمس حقيقت است و به صرف قدرت اين گونه نفوس را تربيت فرموده؛ تا از رفتار و گفتار شما انوار الهی بينند، آثار محبّت اللّه يابند، اخلاق حميده مشاهده کنند، فضائل عالم انسانی جويند. هر يک منادی حق باشيد و از افق عالم انسانی مانند کوکب لامع طالع شويد. اين است محافظهٔ حقوق حضرت بهاء اللّه، اين است مقصود جمال مبارک از حمل بلايا و قبول سجن اعظم. جميع مصائب و متاعب را تحمّل فرمود و در حبس و زندان به ملکوت يزدان صعود نمود تا ما به تعاليم او عامل شويم، به آنچه مقتضای وفا است قيام کنيم، به نصايح و وصايای او عمل نمائيم، نداء ملکوت ابهی را بلند کنيم، انوار فيوضات حقيقت را منتشر سازيم تا بحر اعظم موجش به اوج رسد، عالم ناسوت آئينه ملکوت شود اين خار زار گلستان گردد و اين خاکدان آئين جنّت ابهی گيرد.

(همچنين عصر از جمله بيانات مبارکه اين بود:)

ما آمديم تخمی افشانديم. اميدواريم پرتو آفتاب عنايت بروياند، باران رحمت ببارد، نسيم موهبت بوزد، زيرا امريکا استعداد دارد.

( شب در محفل دوستان می فرمودند: )

من تضرّع و زاری می کنم که ابر رحمت بر شما ببارد، شمس حقيقت بتابد. به آنچه مقصود مظاهر مقدّسهٔ الهيّه است، فائز شويد. اين است تضرّع من زيرا شما احباب جمال مبارکيد و بندگان اسم اعظم. اين سفر من بديدن شما آمدم، انشاء اللّه بعد از اين شما به ارض مقدّسه خواهيد آمد. در محلّی که موطئ اقدام انبيای الهی است باز ملاقات خواهيم کرد.



1. Mr. Kinney [↑](#footnote-ref-1)
2. خطابه در منزل مستر کنی ، نيويورک ٢دسامبر ١٩١٢ - 23 ذی حجّه ١٣٣٠

   شرح در بدايع الآثار ج ۱ ص ۳۹۹ [↑](#footnote-ref-2)